

## خبر

## صیاد متخلف پرندگان در تور قانون افتاد

**صدیقی-** یک صیاد متخلف پرندگان در تور قانون گرفتار شد. به گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست بجنوده، صیاد متخلفی که با گذاشتن تله به صید پرندگان در گردنه امین ... بجنورد اقدام می کرد توسط یگان حفاظت محیط زیست استان دستگیر شد. «خالقی» با بیان این که متهم به مراجع قضایی معرفی شد، افزود: از متخلف علاوه بر وسایل زنده گیری پرندگان ۴ قطعه «سهره طلایی» کشف و ضبط شد. به گفته این مسئول، پرندگان در طبیعت رهاسازی شدند و متخلف بابت صید غیرمجاز هر قطعه «سهره طلایی» برای جبران ضرر و زیان وارد شده به محیط زیست باید مبلغ ۲ میلیون ریال به دولت پرداخت کند. همچنین «خالقی» از آغاز صدور مجوز شکار پرندگان از یک شنبه در استان خبر داد و افزود: متقاضیان می‌توانند با مراجعه به مراکز پیشخوان، مجوز شکار پرندگانی از قبیل کبوتر چاهی، کبک و باقرقره شکم سیاه را دریافت کنند.

## تشنکر

## مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی

مصادیق محرومیت از حقوق اجتماعی مطابق ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی به این شرح است و فرد محروم از حقوق اجتماعی از انجام این موارد محروم می‌شود:

الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا

ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور

پ- تصدی ریاست قوه قضاییه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری

ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمن ها، شوراها، احزاب و جمعیت ها به موجب قانون یا برای مردم

ث- عضویت در هیئت های منصفه و اسنا و شوراهای حل اختلاف

ج- اشتغال به عنوان مدیرمسئول یا سردبیر رسانه های گروهی

ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترتاری

منبع: میزان

## ماجرای ورزشکاری که توسط پدر و پدربزرگش معتاد شد

## سقوط یک قهرمان



گدایی می کردم، از مغازه دارها و مردم رهگذر به عناوین مختلف پول می گرفتم و مقداری از آن را خرج مواد و کمی هم پس انداز می کردم. شب ها را در داخل خرابه ها و زیر پل ها صبح می کردم. اکثر مواقع از شدت سرما تا صبح به خودم می لرزیدم و چاره ای هم نداشتم چرا که این راهی بود که خودم انتخاب کرده بودم.

پدر و مادرم جدا از هم زندگی می کردند. در واقع جدایی شان به خاطر اعتیاد من بود. پدر و مادرم هر دو سر کار می رفتند و چیزی در زندگی برابرم کم نمی گذاشتند اما با رفیق بازی و بیراهه رفتن روزهای خوش را برای آن ها به جهنم تبدیل می کردم. در مقطع ابتدایی بودم که هر وقت پدرم سیگار می کشید به من هم تعارف می کرد تا با مصرف آن تلخی مواد را تجربه کنم. پدربزرگم

گدایی می کردم، از مغازه دارها و مردم رهگذر به عناوین مختلف پول می گرفتم و مقداری از آن را خرج مواد و کمی هم پس انداز می کردم. شب ها را در داخل خرابه ها و زیر پل ها صبح می کردم. اکثر مواقع از شدت سرما تا صبح به خودم می لرزیدم و چاره ای هم نداشتم چرا که این راهی بود که خودم انتخاب کرده بودم.

پدر و مادرم جدا از هم زندگی می کردند. در واقع جدایی شان به خاطر اعتیاد من بود. پدر و مادرم هر دو سر کار می رفتند و چیزی در زندگی برابرم کم نمی گذاشتند اما با رفیق بازی و بیراهه رفتن روزهای خوش را برای آن ها به جهنم تبدیل می کردم. در مقطع ابتدایی بودم که هر وقت پدرم سیگار می کشید به من هم تعارف می کرد تا با مصرف آن تلخی مواد را تجربه کنم. پدربزرگم

گدایی می کردم، از مغازه دارها و مردم رهگذر به عناوین مختلف پول می گرفتم و مقداری از آن را خرج مواد و کمی هم پس انداز می کردم. شب ها را در داخل خرابه ها و زیر پل ها صبح می کردم. اکثر مواقع از شدت سرما تا صبح به خودم می لرزیدم و چاره ای هم نداشتم چرا که این راهی بود که خودم انتخاب کرده بودم.

پدر و مادرم جدا از هم زندگی می کردند. در واقع جدایی شان به خاطر اعتیاد من بود. پدر و مادرم هر دو سر کار می رفتند و چیزی در زندگی برابرم کم نمی گذاشتند اما با رفیق بازی و بیراهه رفتن روزهای خوش را برای آن ها به جهنم تبدیل می کردم. در مقطع ابتدایی بودم که هر وقت پدرم سیگار می کشید به من هم تعارف می کرد تا با مصرف آن تلخی مواد را تجربه کنم. پدربزرگم

## صدیقی

پنجه افیون مانند پیچک هرز چنان بر تنش پیچید که او را از سکوی قهرمانی به زیر کشید. روزی چایک و چالاک از کوه بالا می رفت اما در یک غفلت سقوط کرد و در تله افیون گرفتار شد و از نفس افتاد. مادرش او را از زشتی نهی اما پدرش از او حمایت می کرد تا این که با حمایت های ناپجایی به اصطلاح سایه سرش با سر در باتلاق تباهی افتاد و به جای لباس قهرمانی لباس خفت بر تن کرد.

پله پله سقوط کرد تا این که روزی خود را پشت چراغ قرمز در حال تکی گری دید که دیگر دیر شده بود.

در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با قهرمان دیروز و جوان خمیده امروز می خوانید.

**■ چند وقت است در کمپ هستی؟**  
بیش از یک ماه است که به خاطر تکی گری و اعتیاد در این مرکز هستم تا دوباره خودم را بازسازی و زندگی را از نو آغاز کنم.

**■ چرا دست به تکی گری می زدی، جا و مکان نداشتی؟**  
جا و مکان داشتم. با پدرم در حاشیه شهر زندگی می کردم. به خاطر اعتیاد به مواد صنعتی آواره کوچ و خیابان شدم. روزها در کوچه و خیابان پرسه می زدم و ضایعات جمع می کردم، اکثر وقت ها هم سر چارپاره ها از ماشین های عبوری

## وسواس زن جوان زندگی مشترک شان را بیمار کرد

**صدیقی-** نه او را همراهی می کند و نه دست از نکوهش او برمی دارد. به خاطر وسواس بیش از حد چنان زندگی را به خود و همسرش سخت می گیرد که مدام جنگ و جدل بین زوج جوان حاکم می شود. مرد خانواده وقتی می بیند که وسواس همسرش قطار زندگی مشترک شان را به سمت دره سوق می دهد فرمان را به دست می گیرد و به ایستگاه مشاوره می رود تا شاید برای این مضل چاره اندیشی کند. به گفته مرد جوان، ماجرا از این قرار است که زن جوان دچار وسواس شدیدی است و بابت این موضوع مدام بحث و جدل بین زوج جوان پدید می آید. مرد

خانواده که به خاطر مشکل مالی مجبور است دو شیفت کار کند در زمان بازگشت به خانه نه تنها از سوی همسرش مورد استقبال قرار نمی گیرد بلکه برعکس مورد نکوهش هم قرار می گیرد که چرا هیچ وقت کمک حال زنش نیست. زن جوان به خاطر وسواس بیش از حد خود از صبح تا غروب به نظافت بی مورد خانه مشغول می شود و همین اتفاق چنان او را خسته و کوفته می کند که موقع بازگشت همسرش به جای خوشامدگویی و پذیرایی نق می زند که از کارهای زیاد خانه به ستوه آمده است و بابت این گلابه ها جنگ و جدل بین زوج جوان آغاز می شود. شوهرش

در روز تعطیل توقع دارد برای رفع خستگی هایش با هم راهی کوه و بیابان شوند اما زن برای وسواس بابت کثیف شدنش از این درخواست شوهرش سرپیچی می کند و در خانه مشغول شست و شوی می شود تا به خیال خودش از گرد و خاک خانه خلاص شود. مرد جوان می گوید: زنم به اندازه ای وسواس داشت که حتی پرده ها و دیوار خانه را هفته ای چند بار می شست و بابت این کارهای اضافه و بیهوده مدام از کمر درد و زانو درد می نالید اما دست از این رفتار بیمارگونه اش برنمی داشت. روزهای تعطیل وقتی دوستانم را می دیدم که با همسرشان راهی کوه و کمر می شوند غصه می خوردم که چرا من باید تنها باشم. بهانه به تفریح نیامدن زنم این بود که در بیرون چون سرویس بهداشتی وجود ندارد و از طرفی خاک لباس های او را آلوده می کند هیچ وقت

حاضر نمی شود از خانه بیرون بیاید و باید خودم به تفریح می رفتم. جدا از این رفتارها زمانی که به ناچار به تنهایی بیرون می رفتم موقع بازگشت به خانه زنم با من دعوا می کرد که او باید در خانه از صبح تا شب بشوید و بسابد اما من به خوشگذرانی مشغول شوم. دیگر از رفتارهای گیج کننده و بهانه های واهی همسرم خسته شده بودم و نصیحت و تهدیدهای من و خانواده ها هم کارساز نبود و مدام همسرم با وسواس بیش از حدش هم خودش را آزار می داد و هم زندگی ما را تلخ می کرد. وقتی دیدم بعد از سال ها زندگی مشترک اخلاق و رفتار بیمارگونه زنم بهتر نشد و برعکس وسواسش زیاد هم شد تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیایم تا شاید با کمک مشاوران بتوانم همسرم را قانع و وسواسش را درمان کنم.

## ادامه تصاویر دانش آموزان نمونه انضباطی و خیلی خوب درسی دبستان پسرانه وحدت ۱ بجنورد

## منتخبی از تصاویر دانش آموزان برگزیده انضباطی و خیلی خوب درسی در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ دبستان پسرانه امام خمینی ۱ (ره) بجنورد

|   |  |   |  |  |   |  |   |  |  |   |  |
|---|--|---|--|--|---|--|---|--|--|---|--|
| <br>امیررضا نامور اول  | <br>سیدمحمد سیدی اول    | <br>امیرعلی کوشی اول         | <br>محمد مهدی نوراغمدول اول | <br>شهداد علی زاده اول  | <br>ایلیا همتی اول          | <br>طاها اکبری اول        | <br>بردیا ییلم اول       | <br>حسنت الله رضایی دوم | <br>کارتی وحدانی دوم          | <br>ابوالفضل حامی دوم    | <br>محمدطاها کوزری دوم    |
| <br>ایلیا محمدی دوم    | <br>امیر عیاسی مغری دوم | <br>محمدامین فیادی دوم       | <br>امیرحسین حجازی زاده دوم | <br>علی اعمایان اول     | <br>ارشک نامداری اول        | <br>کوروش رضایی اول       | <br>آرتین سلیمی اول      | <br>محمد رعنايي دوم     | <br>سنا حوسنی اعمایان اسد دوم | <br>امیرحسین ریحانی دوم  | <br>بنیامین ایزاتلو دوم   |
| <br>محمدیاسین همتی دوم | <br>متین مغلولوم دوم    | <br>امیر مهدی محمدی تایی دوم | <br>آرینا رحیمی دوم         | <br>ابوالفضل الماسی دوم | <br>محمدحسین دواغلابادی دوم | <br>امیرحسین یزدانی دوم   | <br>امین سمولدی کیا دوم  | <br>ماهان حاجی زاده دوم | <br>فرزاد مصلولوی دوم         | <br>محمدحسام طوسیان دوم  | <br>سیدمحمد صالح نبوی دوم |
| <br>کارن خباززاده دوم  | <br>سپهر محمدی دوم      | <br>مهدی واهی وحدانی دوم     | <br>محمدطاها اردلان یور دوم | <br>ایمان علی نلاهی دوم | <br>علی کوزانی دوم          | <br>برهام صالحی محمدی دوم | <br>محمد مهدی الیایی دوم | <br>مهدی حجابلیان دوم   | <br>احمد عیاسی زاده دوم       | <br>مهدی رعنايي ابرج دوم | <br>محمدرضا منصوری دوم    |

با سپاس از مدیرمدیر و فرهیخته : سرور ارجمند جناب آقای ابوالفضل حسینی راد تشکر ویژه از معاونین ساعی: جناب آقای محمود مجرد (آموزشی) خانم زهره صفاپور (پرورشی) آقای موسی خواجوی (اجرایی) تقدیر از زحمات کلیه معلمان دلسوز، مربیان خبره دبستان و استقبال گرم خانواده های محترم دانش آموزان نمونه و همت بلند خانواده های محترم دانش آموزان نمونه